



# واکاوی چالش‌های فقهی، اخلاقی استفاده از رحم جایگزین

مهسا شیروی\*  
مهرزاد کیانی\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۸/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۹/۳۰

## چکیده

یکی از موضوعات مهمی که در دهه‌های اخیر در ژنتیک پزشکی ظهور یافته و علاوه بر پیشرفت‌های چشمگیر و ایجاد فرصت‌های تازه مباحثات متعدد حقوقی و چالش‌های اخلاقی زیادی را بدنبال داشته، تولد نوزادانی است که در رحم زنی دیگر که اصطلاحاً مادر جانشین نام دارند شکل می‌گیرند و با به عرصه هستی می‌گذارند. نطفه این نوزادان به شیوه تلقیح مصنوعی در خارج از رحم بارور می‌شود و مراحل اولیه رشد و تکامل خود را در محیط آزمایشگاهی طی می‌کنند و سپس به رحم بانوی صاحب رحمی که آمادگی خود را برای حاملگی، نسبت به زوج نابارور اعلام می‌نماید منتقل می‌گردند. اما در خصوص اینکه آیا اگر شخص سومی با این شیوه یعنی حمل جنین دو انسان دیگر در فرایند تولد نوزادی همکاری کند اخلاقاً قابل پذیرش می‌باشد یا خیر از یک طرف، و از آنجایی که مشروعیت استفاده از رحم جایگزین در حقوق کنونی ما براساس انطباق آن با مقررات و الزامات فقهی و مذهبی است، بر آن شدیم که در خصوص روایی یا ناروایی مسئله استفاده از رحم جایگزین به بررسی دیدگاه‌های مختلف اخلاقی و فقهی، که از اهمیت بسزایی برخوردار است بپردازیم.

## کلید واژه‌ها

رحم جایگزین، مادر جایگزین، تلقیح مصنوعی، اخلاق، فقه.

\* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.  
(نویسنده مسئول)  
[Mahsa\\_shiravi@yahoo.com](mailto:Mahsa_shiravi@yahoo.com)

\*\* دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

## مقدمه

امروزه پیشرفت‌های علمی در حوزه زیست پزشکی، دست آوردهای بسیار مهمی را برای جوامع بشری به ارمغان آورده است. اما در عین حال نگرانی روز افزون جامعه بشری در خصوص ضرورت تضمین سازگاری چنین پیشرفت‌هایی با معیارهای کلی حقوقی و اخلاقی ناظر بر حمایت افراد در برابر استفاده نادرست از فناوری نوین می‌باشد. در چند دهه اخیر یکی از مهم‌ترین دست آوردهای ژنتیک پزشکی پدیدایی نوزادانی است که حاصل از تلقیح مصنوعی می‌باشند و در رحم زنی دیگر که اصطلاحاً مادر جانشین نام دارند شکل می‌گیرند و پا به عرصه هستی می‌گذارند. تلقیح مصنوعی به شکل علمی پدیده‌ای نسبتاً جدید و زاییده دانش امروزی بشر است. این پدیده موانع بارداری را مرتفع کرده و در تولید نسل کمک شایسته‌ای به انسان عرضه می‌دارد. دانش پزشکی از مدتی قبل این توان را پیدا کرد که به وسیله تلقیح مصنوعی بسیاری از نواقص و عیوب زن و مرد را در تولید نسل جبران کند.

تولد اولین فرزند حاصل از لقاح خارج رحمی در سال ۱۹۷۸ این امکان را برای زوجین نابارور فراهم ساخت که به خلاف چند دهه قبل، همچنان به داشتن فرزند امیدوار باشند. از آن هنگام تاکنون، تکنیک‌های درمان ناباروری مانند تحریک تخمک‌گذاری، اهدای گامت و اهدای جنین، به شکل گسترده‌ای مورد استفاده نیازمندان قرار گرفته است اما استفاده از فناوری در زمینه پزشکی نیز مانند دیگر زمینه‌ها، پرسش‌هایی را برانگیخته است. این پرسش‌ها در زمینه‌هایی چون دین و حقوق پزشکی، اخلاق پزشکی، اخلاق حقوق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی طرح می‌شوند. امروزه جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، حقوق‌دانان، فیلسوفان اخلاق و عالمان دینی هریک به نوبه خود دغدغه‌هایی در مورد کاربرد تقریباً گسترده این روش‌ها دارند. به عنوان مثال اخلاق پزشکی حاصل تأملات و تعاملات فیلسوفان اخلاق و پزشکان است و در زمینه وسیع‌تر اخلاق زیستی پیرامون مسائلی نظری شکل گرفته که با پیشرفت‌های علمی و پزشکی، در اذهان فیلسوفان و نظریه‌پردازان اخلاق پدید می‌آیند این زمینه‌ها، چنان که از نامشان پیداست، خصلت میان رشته‌ای دارند چراکه تأمل درباره آنها و حل و فصل‌شان، در گرو ارتباط متقابل عالمان رشته‌های تخصصی مختلف با یکدیگر است. عالمان دینی، از موضع تعالیم دینی کاربرد این روش را بررسی می‌کنند. به ویژه در اسلام که تعالیم شرعی گسترده‌ای وجود دارد و ازدواج و تولید مثل، مطابق ضوابطی خاص صورت می‌گیرد، بنابراین استفاده از روش‌های درمان ناباروری می‌تواند پرسش‌هایی را فراروی عالمان دینی نیز قرار دهد. در احکام اسلام، موضوع تلقیح مصنوعی به ترتیبی که امروز از جهت علمی و عملی مطرح است، سابقه نداشته است؛ بنابراین، عنوان «تلقیح مصنوعی» را در متون و منابع اسلامی و در اخبار و احادیث صدر اسلام نمی‌توان یافت تا به صورت منصوص مستندی در تأیید یا رد آن ارائه کرد.

## ۱- تعریف رحم جایگزین

استفاده از رحم جایگزین (*surrogacy*) یکی از روش‌های نوین باروری و درمان نازایی است. رحم جایگزین به روشی اطلاق می‌شود که طی آن بانوی صاحب رحمی، آمادگی خود را برای حاملگی، نسبت به زوج ناباروری اعلام می‌نماید به گونه‌ای که پس از زایمان نوزاد حاصل را به زوج نابارور تحویل دهد. (*Brinsden, R, peter 2004, pp: 855-866*) در این روش زوج را پدر و مادر حکمی، متقاضی و یا خواهان (*commissining parents, intended parents*) و زنی را که از رحمش برای پرورش جنین دیگری استفاده می‌کنند مادر جانشین، مادر اجاره‌ای، مادر میزبان (*host mother*) و یا مادر میانجی می‌نامند. استفاده از رحم جایگزین به ۲ طریق میسر است. (*F. shenfield, G.pennings, pp: 270-275*)

۱) جایگزینی بدون پیوند ژنتیکی یا جایگزینی نسبی (*surrogacy without genetic link*): در این شیوه مادر جانشین هیچ‌گونه ارتباط ژنتیکی با جنین ندارد و نقش او صرفاً در اختیار گذاشتن رحم، پرورش و زایمان کودک است. برای مثال زمانی که زن و شوهر اسپرم و تخمکی سالم داشته باشند ولی رحم زن قابلیت پرورش و نگهداری جنین را ندارد، به عبارتی سلول تخم حاصل و جنین لقاح یافته به روش باروری آزمایشگاهی از زوجین به رحم زن دیگری منتقل می‌شود یا این‌که یکی از اسپرم و یا تخمک و یا هم اسپرم و هم تخمک از اهداکنندگانی به غیر از پدر و مادر و مادر جانشین لقاح و به رحم مادر جانشین منتقل می‌گردد.

۲) جایگزینی با پیوند بیولوژیکی (*surrogacy with genetic link*):

در این شیوه تخمک متعلق به مادر جایگزین است.

## ۲- موارد استفاده از رحم جایگزین

به موارد مشخص، استفاده از رحم جایگزین زمانی است که زنی نتواند جنین بارور شده را حمل کند. این امر ناشی از ۲ عامل است: یا اینکه فرد بطور مادرزادی رحم ندارد یا بر اثر بدخیمی‌ها یا خونریزی شدید، تحت عمل جراحی رحم برداشته شده است. در این صورت تخمدان‌های شخص فعال است و می‌تواند تخمک‌های سالم تولید کند در نتیجه مورد مناسبی برای درمان ناباروری از طریق رحم جایگزین خواهد بود. کاربرد دیگر این روش که قطعیت کمتری دارد، در مورد زنانی است که از سقط‌های مکرر رنج می‌برند همچنین در برخی بیماری‌های طبی مانند نارسایی‌های شدید قلبی یا کلیوی که امکان بارداری و زایمان بی‌خطر را از زنان می‌گیرند می‌توان از روش رحم جایگزین استفاده کرد البته در نظر داشتن این‌که امید به زندگی بیمار چنان باشد که بتواند از فرزندش مراقبت کند. (یوسفی، حمید. قهاری، شهربانو. ۱۳۸۶.

ص ۲۷۰)

### ۳- بررسی رویکردهای اخلاقی در استفاده از رحم جایگزین

بررسی منزلت اخلاقی دستکاری‌ها، در قلمرو پزشکی از جمله مسائل مهم اخلاق زیستی و اخلاق پزشکی است که به بررسی ارزش اخلاقی تولید مثل‌هایی می‌پردازد که به مدد فناوری جدید صورت می‌گیرد و آنچه که امروزه بارداری در رحم جایگزین نامیده می‌شود تنها یکی از صورت‌های دستکاری در فرایند تولید مثل است که خود آن نیز به شکل‌های مختلف محقق می‌شود. از ابتدای آغاز درمان رحم جایگزین، چالش اساسی این درمان جنبه‌های اخلاقی و فرهنگی آن بوده است. این که شخص سومی با این شیوه یعنی حمل جنین دو انسان دیگر در فرایند تولد نوزادی همکاری کند، شائبه‌ها و حساسیت‌های بسیاری را میان فلاسفه، فقها، اخلاقیون، جامعه‌شناسان، حقوقدانان و... برانگیخته است. در این بخش بعد از تبیین مختصری در خصوص چیستی اخلاق زیستی و اخلاق پزشکی به بررسی نظریات اخلاقیون در خصوص موضوع مطروحه خواهیم پرداخت.

#### ۳-۱- مفهوم اخلاق پزشکی

اخلاق پزشکی یکی از شاخه‌های اخلاق حرفه‌ای است که سعی دارد اخلاقیات را به صورت کاربردی در حیطه عمل پزشکان و کادر پزشکی و نیز در حوزه تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در طب وارد نماید. براساس مطالب بیان شده، دیگر اخلاق پزشکی صرف بیان صفات اخلاقی پسندیده برای پزشکان، یا نحوه برخورد پزشک با بیمار، و یا صرفاً تدوین قوانین حرفه‌ای در باب آداب معاشرت طبیب، و یا بیان قواعد مذهبی به تنهایی، نمی‌باشد. بلکه اخلاق پزشکی فعالیتی تحلیلی است که طی آن افکار، عقاید، تعهدات، روش رفتار، احساسات، استدلال‌ات و بحث‌های مختلف در حیطه تصمیم‌گیری‌های اخلاق پزشکی به صورت دقیق و انتقادی بررسی می‌شود و در موارد لازم دستورالعمل‌هایی صادر می‌گردد. تصمیمات اخلاق پزشکی در حیطه عملکرد طبی، بدیهیات و ارزش‌ها، خوب یا بد، صحیح یا نادرست، و باید و نبایدها را مشخص می‌سازند. به بیانی دیگر: اخلاق پزشکی مقوله‌ای کاربردی است که راهکارهای سازمان یافته را برای کمک به پزشک در تبیین، تحلیل و حل مباحث اخلاقی در طب بالینی فراهم می‌نماید. در همین راستا «اخلاق زیستی» نیز مبحثی است که به تبادل نظر و تأمل پیرامون موضوعات اخلاقی در طب، علوم بهداشتی و زیست‌شناسی می‌پردازد.

#### ۳-۲- چیستی اخلاق زیستی؟

اخلاق زیستی یکی از مباحث فلسفی و تخصصی میان رشته‌ای و پیچیده است که بسیاری از رشته‌ها در به ثمر رسیدن مباحث آن سهیم می‌باشند. مباحث مطرح شده در اخلاق زیستی در بسیاری از موارد با دیگر حوزه‌ها گاه همپوشانی، گاه دارای تاثیر متقابل و گاهی تعارض دارد.

ریشه‌های مطالعاتی اخلاق زیستی به یونان باستان باز می‌گردد. (مصطفی محقق داماد، عبدالعزیز ساشادینا، محمود عباسی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۷) اما اصطلاح اخلاق زیستی از سال ۱۹۷۰ بطور جدی مطرح (Potter. 1971, pp 43) و تحقیقات متعددی راجع به آن انجام گردید و همین امر سبب شد تا اخلاق زیستی در حوزه‌هایی چون فلسفه، الهیات، پزشکی، حقوق، جامعه‌شناسی و سیاست وارد گشته و به‌نحو میان رشته‌ای به فعالیت بپردازد. اخلاق زیستی از ۲ واژه اخلاق (Ethic) و زیستی (Bio) تشکیل شده است. اخلاق یک اصطلاح کلی است که برای اشاره به راه‌های گوناگون درک و بررسی چگونگی بهتر زیستن و یا به‌عبارتی اخلاقی بودن زندگی بکار می‌رود. اخلاق در مفهوم خاص خود متضمن یک فعالیت فکری انتقادی است که به بررسی نظام‌مند زندگی و رفتار اخلاقی می‌پردازد. (مصطفی محقق داماد، عبدالعزیز ساشادینا، محمود عباسی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۲) «زیست» در لغت به معنای حیات و زندگی است. (H. Victor 1999, pp25) که مفهومی جهان شمول دارد به همین دلیل معنای آن محدود به کشور یا منطقه‌ای خاص نمی‌شود؛ و همین امر هم خود مقتضی جهانی بودن مفهوم اخلاق زیستی است.

### ۳-۳- مفهوم اخلاق زیستی

اخلاق زیستی عبارت است از علم اخلاق در آن حیطة که به زندگی و بدن انسان مربوط می‌شود؛ یعنی رفتار قابل پذیرش بشر در مورد نحوه برخورد وی با حیات و جسم انسان که یکی از رشته‌های دانش گفتمان و مطالعه در آثار فلسفی و اخلاقی و برخی از روش‌ها و شیوه‌های زیست‌شناختی و برخی فناوری‌ها که بر حیات انسان تاثیر می‌گذارند است. مثال‌های بارز آن عبارتند از تلقیح مصنوعی، باروری جایگزین، شبیه‌سازی انسان، تهیه ژنوم انسانی، تحقیق در پیشینه سلول‌ها و نحوه درمان بیماران علاج‌ناپذیر. (نخستین نشست میان دولتی ۲۰۰۵) در پیش نویس اعلامیه جهانی اخلاق زیستی و حقوق بشر که بعدها تبدیل به اعلامیه حاضر اخلاق زیستی و حقوق بشر شد نیز تعریفی از اخلاق زیستی وجود دارد. مطابق این تعریف: «اخلاق زیستی یک زمینه نظام‌مند، کثرت‌گرا و میان رشته‌ای تحقیق است که مستلزم مسائل اخلاقی نظری و عملی مطرح شده توسط پزشکی و علوم مربوط به حیات به گونه‌ای است که بر موجودات انسانی و رابطه‌ی بشریت با حیات در کره زمین اعمال می‌شود. با توجه به تعریف فوق‌الذکر می‌توان بیان داشت که همانا اخلاق زیستی به مطالعه و پژوهش میان رشته‌ای که هدف آن تنقیح و حل مسائل اخلاقی ناشی از اجرای مطالعات پزشکی زیستی و زیست‌شناختی است می‌پردازد. بنابراین در وهله نخست اخلاق زیستی توجهش به انسان و احترام به جسم و جان او می‌باشد. بر همین اساس در ارتباط با استفاده از شیوه مادر جایگزین در تولد نوزادان براحتی می‌توان در حوزه اخلاق زیستی، که ساختی فلسفی، اخلاقی، کلامی، فقهی و حقوقی دارد گام نهاد. از آنجایی که بیان توضیح بیشتر در این مقال خارج از بحث مورد نظر نگارنده می‌باشد بنابراین از اطاله سخن در این باب خودداری و بررسی نظر اخلاقیون در خصوص استفاده از رحم جایگزین خواهیم پرداخت.

### ۳-۴- استفاده از رحم جایگزین از دیدگاه اخلاقیون

روایی یا ناروایی اخلاقی مادر جایگزین، در روند تولید مثل امروزه میان اخلاقیون چالش‌ها و مباحثاتی را بر انگیزته است که در این میان عده‌ای علی‌الطلاق حکم به ناموجه بودن اخلاقی استفاده از مادری جایگزین در فرایند بارداری می‌کنند و عده‌ای دیگر با ابراز دلایلی حکم به موجه بودن اخلاقی استفاده از مادری جایگزین در فرایند بارداری دارند. نگارنده در ذیل کوشیده است که با بیانی مختصر، به بررسی چالش‌های اخلاقی مطروحه مبنی بر موجه یا ناموجه بودن بارداری به شیوه مادر جایگزین بپردازد.

**اخلاق کانتی:** در میان مکاتب مختلف اخلاقی کانت مبنای اخلاق را «اصل غایت‌مندی انسان» می‌داند. طبق این اصل انسان‌ها فارغ از سن، جنس، توانایی، قومیت، نژاد، مذهب و... فی حد ذاته ارزشمند و قابل احترام هستند و این احترام و کرامت انسانی بدون هیچ قید و شرطی صرفاً بر بنیاد انسانی آنها استوار است. بنابراین هرگونه فعل یا ترک فعلی که متضمن نفی کرامت انسانی باشد ناموجه است. (دباغ، سروش، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹) براساس همین استنباطات فوق از سوی وظیفه‌گرایان کانتی، طرفداران این دیدگاه استفاده از مادر جایگزین را غیراخلاقی و انجام این عمل را نافی کرامت انسانی می‌دانند. این گروه معتقدند تبدیل یک رابطه‌ی عاطفی بین مادر و جنین به رابطه‌ی مالی و نادیده گرفتن لطامات انسان‌ی عاطفی مترتب بر آن اخلاقاً نارواست. کسی که ۹ ماه جنین را درون خویش پرورش داده به طوری که به بخشی از وجودش بدل شده اخلاقاً نباید پس از طی این دوران فرزند را وا نهد و این رابطه‌ی غریب و کم نظیر انسانی را در برابر دریافت وجهی بگسلد. در واقع هم کرامت انسانی مادر جایگزین که چند صباحی جنین را با خود حمل کرده و او را پرورانده است خدشه‌دار می‌شود و هم کرامت نوزادی که در بدو تولد باید مادری را که نه ماه با او بوده است، به جبر و بر اساس مناسبات و روابط مالی ترک گوید، بنابراین انجام چنین کاری مستلزم نقض کرامت انسانی و بهره‌کشی است و اخلاقاً ناموجه. اما همین استثنا ناپذیری احکام اخلاقی کانتی در جهت پاسداشت حریم و کرامت انسانی و غیر تجربی بودن آن در مواردی پذیرش احکام اخلاقی را سخت می‌نمایاند. بنابراین به نظر می‌رسد برای رسیدن به داوری اخلاقی موجه صرفاً نمی‌توان به کرامت انسانی بسنده کرد و بطور مطلق حکم به به غیراخلاقی بودن کلیه افعال یا ترک افعالی را داد که به هر نحو متضمن نادیده گرفتن کرامت انسانی هستند.

**سودگرایان:** سودگرایان بر این باورند که می‌توان خوبی و بدی‌ای که بر یک فعل مترتب است را از میزان لذت و الم حاصل از آن در میان بیشترین افراد جامعه بدست آورد. انجام یا عدم انجام هرگونه فعل، از لحاظ اخلاقی زمانی پذیرفته و موجه است که متضمن کسب بیشترین لذت و دفع بیشترین درد و رنج باشد بنابراین با توجه به این دیدگاه، جایگزینی رحم در صورتی که سر جمع نتایجش منفعت و سود فردی و اجتماعی بیشتری را به همراه داشته باشد مجاز و حتی گاهی ضروری است. بنابراین در چنین رویکردی به‌طور کلی نمی‌توان از حسن و قبح اخلاقی فعل یا ترک فعلی مانند مادر جایگزین سخن گفت و باید همواره بر حسب مورد اظهار نظر کرد. پس هرگاه در بررسی سود و زیان عملی، معادله‌ی این دو

«جای سود و زیان» عوض شود حکم اخلاقی رحم جایگزین هم متفاوت می‌شود. در واقع داوری اخلاقی به چرتکه انداختن درباره‌ی سود و زیان منتهی می‌شود. (حسینی سورکی، محمد، ۱۳۸۴، ۳۰۱-۳۲۱) هرچند که به نظر می‌رسد بتوان براساس آموزه‌های سودگرایان توجیهی اخلاقی برای فرایند مادر جایگزین حداقل در مواردی بدست آورد اما نباید فراموش کرد که حساب سود و زیان در مورد تولید مثل از طریق رحم جایگزین ساده نیست زیرا علاوه بر ابهامی که در وضعیت آتی کودک با دو مادر وجود دارد پای عواطف و احساسات دو مادر هم در میان است که کار محاسبه را دشوار می‌کند. به علاوه حسابی هم باید برای پیامدهای اجتماعی این موضوع باز کرد.

#### ۴- بررسی احکام اخلاقی - فقهی استفاده از رحم جایگزین

##### روایی یا ناروایی رحم جایگزین از نظر فقهی

انتقال جنین به رحم بیگانه از جمله مسائل مستحدث و جدیدی است که از مدت پیدایی آن در جهان کمتر از ربع قرن می‌گذرد. این امر خود صوری را متصور است.

صورت اول - زن و مرد هر دو سالم هستند. مرد اسپرم می‌سازد و زن تخمک آزاد می‌کند. لکن از نظر نقص ارگانیک یا مریضی مثل دیابت یا تالاسمی نمی‌تواند جنین را نگه دارد که دو حالت دارد:

حالت اول - این جنین به زنی که محرم این مرد است و آمیزش با وی برای مرد منع شرعی ندارد، انتقال داده می‌شود که در این صورت دلیلی بر حرام بودن آن نیست. طبق نظر اکثر علما بلکه قریب به اتفاق خواه این زن صاحب تخمک باشد یا همسر دیگر او و یا کنیز او باشد. چرا که در تمام این صورت‌ها مرد نطفه خود را در رحمی قرار داده که برای او حلال است نه حرام و در جایی آن را کاشته که بر خلاف دستور خداوند نیست. و زن هم نطفه شوهر و یا آقای خود را حمل کرده است؛ بنابراین دلیلی بر حرام بودن آن نیست.

حالت دوم - آن است که جنین به زنی منتقل شود که آمیزش با او بر این مرد حرام است. از آنجا که تلقیح مصنوعی و انتقال جنین به رحم زن دیگر از مسائل جدید و نو پا بوده و تازه مطرح شده است، در این زمینه نظرات فقیهان و حقوقدانان حاضر به نتیجه‌ای قطعی نرسیده است و ما هر دو نظریه را بررسی می‌کنیم.

##### نظر موافقان

آنها که نظر موافق دارند، در انتقال جنین به رحم بیگانه چنین استدلال کرده‌اند که حفظ جنین چه در دستگاه مصنوعی و چه در رحم، ولو در رحم بیگانه واجب است؛ اگر وجوب آن احراز نشود، لاقط جواز آن احراز می‌گردد. جنین را نباید از بین برد؛ بنابراین انتقال آن به رحم بیگانه منعی ندارد، زیرا دلیلی بر حرمت آن در شرع وجود ندارد و حتی بر زن زناکار حرام است که جنین بوجود آمده را سقط کند. با عدم

دلیل بر حرمت انتقال جنین به رحم بیگانه، برابر اصل حلیت و اصل برائت حکم بر جواز آن می‌شود و حتی اگر نطفه مردی با نطفه حیوانی یا با ماده گیاهی به جای تخمک زن ترکیب شود و عمل زیست‌شناسی و بیولوژیکی در این زمینه نیز توفیقی به دست آورد انتقال این گونه جنین به رحم بیگانه نیز ممنوعیت شرعی ندارد. زیرا این قسم نیز از شبهه‌های بدوی تحریمی است و در مورد آن نیز برائت شرعی و عقلی جاری می‌شود. اگر چه رعایت احتیاط موجب حفظ و تحصیل واقع می‌شود بدون استناد آن به شارع در همه موارد نیکو است؛ اما در کتاب و سنت عموماتی است که برخی از آنها به گونه‌ای بر حرمت این قسم دلالت دارد که شایسته بررسی است. (حرم پناهی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷-۱۶۷)

در این خصوص نیز آیات عظام نظرات و فتاوای خود را چنین ابراز فرموده‌اند.

از جمله آیت‌الله محمد تقی بهجت در پاسخ این سؤال که انتقال جنین یا نطفه به رحم اجنبیه چه حکمی دارد؟ فرموده‌اند که مانعی ندارد اگر همراه با امر حرام شرعی نباشد. (صمدی‌اهری، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲)

آیت‌الله محمد یزدی می‌فرمایند: گرفتن اسپرم و اوول، ترکیب آن دو در خارج و کاشتن آن در رحم زن بیگانه اعم از اینکه شوهردار باشد یا نباشد، جایز است و عنوان حرام بر آن صدق نمی‌کند؛ زیرا جای دادن جنین در رحم زنی بیگانه نه مصداق زناست، نه مصداق ریختن نطفه در رحمی که بر مرد حلال نیست و نه مصداق جای دادن نطفه در چنین رحمی؛ زیرا روایات رسیده در این باب تنها به آمیزش نامشروع نظر دارند.

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در این خصوص معتقدند: که استفاده از رحم جایگزین ذاتاً اشکال شرعی ندارد. هرگاه اسپرم و تخمک زن و شوهری با هم ترکیب شود و تشکیل جنین دهد، کاشتن آن در رحم فرد ثالث ذاتاً اشکال ندارد و از بعضی جهات شبیه رضاع کامل است که موجب محرومیت می‌شود ولی فرزند به صاحبان اسپرم و تخمک تعلق دارد و از آنجا که این کار (کاشتن جنین حلال در رحم مادر جانشین) معمولاً مستلزم نظر و لمس حرام است تنها در صورت ضرورت جایز است.

در هر یک از سه فرض یاد شده فرزند از آن مرد و زنی است که اسپرم و تخمک از آنها گرفته شده است، نه از آن زنی که جنین را در رحم او جای داده‌اند یا از آن شوهر آن زن (در این فرض که شوهردار بوده است). دلیل این حکم نیز آن است که ملاک نسب، حتی در مورد ولادت حرام، تنها جنینی است که از دو جزء متعلق به مرد و زن پدید آمده است. برای نمونه، فرزند زن و مرد زناکار در عرف، فرزند آنها شمرده می‌شود و برخی از احکام شرعی همانند نطفه و حضانت نیز مشروط بر اینکه مرد معلوم و نسبت طبیعی فرزند به او نیز به طریقی همانند ارتباط نداشتن زن با غیر او محرز باشد، بر آن مترتب شده است. (یزدی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۲)



## نظر مخالفان

آنها که نظر مخالف دارند، یعنی آنها که حکم به حرمت انتقال جنین به رحم بیگانه می‌دهند، به این آیات و روایات استناد می‌کنند:

### ۱- قَلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ (نور، ۳۰)

آیه مؤمنان را سفارش به بستن چشم‌هایشان از حرام و حفظ فروجشان کرده است. از این آیه چنین استنباط می‌شود که زن حق ندارد فرج و آلت تناسلی خود را در معرض پزشک یا متخصص زنان قرار دهد. به این ترتیب، تلقیح جنین از طریق پزشک در رحم زن حرام است. و اگر گفته شود چنانچه شوهر زن به چنین اقدامی دست زند، مشکل حرمت برداشته خواهد شد. در پاسخ به آیات دیگر قرآن استناد می‌کنند. بر طبق این قاعده که حذف متعلق مفید عموم است، حفظ شرمگاه (فرج) از هر چیزی که با حفظ آن منافات دارد، از جمله تمامی صورت‌های تلقیح واجب است.

اشکال این استدلال از نظر بعضی صاحب‌نظران این است که مقصود از حفظ عضو یاد شده، حفظ آن از دیگران است، نه حفظ از هر چیزی. بنابراین ریختن منی مرد نامحرم در رحم زن، توسط خود زن یا به وسیله ابزار مصنوعی را شامل نمی‌شود. علاوه بر این چه بسا مقصود از حفظ، تنها حفظ آن از نگاه دیگران باشد. چنان که روایت ابی‌بصیر از امام صادق(ع) بر همین مطلب دلالت دارد.

### ۲- کُلَّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ فِي ذِكْرِ الْفُرُوجِ فَهِيَ مِنَ الزَّوْجِ الْاِذَا لَآيَةٍ فَاِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ

«مقصود از حفظ فرج در تمام آیات قرآن از زنا است به جز این آیه که مقصود از آن حفظ از نگاه دیگران است»

این روایت در تفسیر قمی و نورالثقلین و در ضمن روایتی طولانی از اصول کافی وارد شده است رجال سند در تفسیر قمی اشکالی ندارد، ولی تفسیر یاد شده مورد اشکال است چون این کتاب را برخی از شاگردان قمی (قدس سره) جمع‌آوری کرده‌اند که در کتب رجالی احوال آنها معلوم نیست. (حرم پناهی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷)

### ۳- وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ اِلَّا عَلَىٰ اَزْوَاجِهِمْ اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُمْ فَاِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ، فَمَنْ اِبْتغَىٰ وَّرَاءَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْعَادُونَ؛

«آیه بعد از اینکه صفات رستگاران را می‌شمارد، می‌فرماید آنان که فروج (و اندام‌شان) را از عمل زشت (حرام) نگاه می‌دارند. مگر به جفت‌هایشان (که زنان عقدی آنان باشند) یا کنیزان ملکی متصرفی آنان که هیچ‌گونه ملامتی در مباشرت این زنان بر آنان نیست. و کسی که غیر این (زنان حلال را به مباشرت) طلبد البته ستم‌کار و متعدی خواهد بود.» (مؤمنون ۵-۷)

در این آیات آمده است که مؤمنان و مسلمانان برای رستگاری تکالیفی دارند که باید به آن پایبند باشند. از جمله اینکه حافظ فروج خود باشند. رابطه زنان یا مردان فقط با شوهران و زنان خود در این زمینه مشکلی نخواهد داشت و برای آنان مباح خواهد بود که در غیر این صورت از ستم‌کاران خواهند بود. از جمله آیات عظام و علمایی که نظر به حرمت این عمل می‌دهند، آیه الله یوسف صانعی هستند که می‌فرمایند نمی‌توان گفت جایز است و باید از این گونه اعمالی که برخلاف اصول اخلاقی توالد و تناسلی است، پرهیز نمود و راه‌های مشروع را پیدا کرد. ایشان صریحاً فتوی به حرام بودن آن نداده‌اند.

آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی در سؤال شماره ۲۸۷۸ که از ایشان پرسیده شده اجاره دادن یا اجاره رحم زن برای تلقیح نطفه مرد اجنبی چه حکمی دارد؟ فرموده‌اند اجاره صحیح نیست و تلقیح نطفه مرد در رحم زن اجنبیه شرعاً جایز نیست. (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹، ص ۶۰۲)

و آیت‌الله حسین نوری همدانی و آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی هم این کار را جایز ندانسته‌اند. (صمدی اهری، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲-۱۳۳)

آیت‌الله شیخ حسین وحید خراسانی نیز فرموده‌اند قرار دادن نطفه (منی) مرد اجنبی در رحم غیر زوجه او جایز نیست ولو توسط شوهر خودش تلقیح واقع شود. ولی اگر عصباناً این عمل انجام شود زنی که این بچه از او متولد شده مادر این فرزند و صاحب نطفه شرعاً پدر او محسوب است و همه احکام نسب بین آنها جاری است.

حضرت امام خمینی (ره) این گونه نظر داده‌اند: تلقیح نطفه غیر زوج جایز نیست؛ خواه زن شوهردار باشد یا نه، زوج و زوجه به آن راضی باشند یا نه، زن از محارم صاحب نطفه باشد مانند مادرش و خواهرش یا نه. (موسوی‌الخمينی، ۱۳۸۰، ص ۴۷۱)

صورت دیگر در اینجا تخمک زنی که سالم است و اجنبی است در مهبل زنی که نازاست تزریق شود و سپس شوهر این زن با وی آمیزش کند و او را باردار کند.

آنهایی که در صورت دوم حکم به حلیت مسأله داده‌اند در این صورت نیز مشکلی ندارند و «اصاله الحل» را نیز جاری می‌کنند اما بر فرض حرام بودن صورت دوم، حرام بودن را در این صورت نیز چنین دنبال کرده‌اند. از روایاتی که پیش از این یاد شد، استفاده می‌شود که بسته شدن نطفه از اسپرم مرد و تخمک زنی که آمیزش آنان با یکدیگر جایز نیست، حرام است.

هرچند مورد این روایات مخصص، قرار دادن منی در مهبل زنی است که بر مرد حرام است، لکن مورد تخصص نیست بلکه خصوصیت از این مورد برداشته می‌شود و حرام بودن، موردی را که نطفه از منی مرد و تخمک‌زنی که بر او حرام است بسته می‌شود، در بر می‌گیرد و بیرون آوردن تخمک از مهبل این زن و گذاردن آن در مهبل زنی که آمیزش این مرد با او جایز است هیچ تأثیری در دفع حرمت ندارد و از دایره‌الغای خصوصیت خارج نمی‌شود. (مؤمن، ۱۳۷۴، ص ۶۰-۶۱)

## نتیجه‌گیری

جامعه‌ی پزشکی کشور با عرضه‌ی خدمات گوناگون و با کیفیت بالا سعی در رفع آلام و گرفتاری‌های مردمی دارد که به انحای گوناگون با مشکلات توان فرسایی دست به‌گریبان‌اند. یکی از مشکلاتی که ممکن است رنج بسیاری را به زوجها و بستگان‌شان تحمیل کند و حتی به از هم پاشیدن خانواده منجر گردد، همانا ناباروری است. تلاش جامعه پزشکی برای درمان این مشکل برای بسیاری از زوجها، نوید بخش نجات زندگی خانوادگی و هدیه کردن امید و خوشبختی به زوجها نیازمند بوده است. روش‌های مختلف درمان ناباروری نظیر تلقیح مصنوعی، باروری خارج رحم، اهدای اسپرم، اهدای تخمک، انتقال جنین، رحم جایگزین و شبیه‌سازی همگی سبب مطرح شدن بحث‌های اخلاقی، شرعی و قانونی در کلیه جوامع بشری شده‌اند. از نظر اخلاقی نمی‌توان به سادگی از کنار این بحث‌های پیچیده گذشت و به یک پاسخ بله یا خیر اکتفا نمود.

به‌طور خلاصه علل اخلاقی و اجتماعی مخالفت با رحم جایگزین شامل تجاری شدن تولید مثل، تباهی ارتباطات زیستی و روانی و عاطفی بین زن و جنین وی، استفاده از جسم یک زن دیگر و نقض کرامت انسانی است. به همین علل برخی منتقدان اخلاقی به شدت با فنون کمکی بارداری از جمله استفاده از مادر جانشین مخالفت می‌کنند و در مقابل برخی دیگر به کارگیری روش مادر جایگزین را از آنجایی که متضمن کسب خوشبختی و لذت بیشتر و دفع الم می‌گردد اخلاقاً روا و موجه می‌دانند و معتقدند که استفاده از این روش‌ها مشکل اخلاقی در پی ندارد و فقط یک روش درمانی برای زوجها نابارور است. با این وجود هرچند که می‌توان حدس زد دفاع از روایی اخلاقی مادر جایگزین می‌تواند مستعد سوء استفاده‌هایی باشد، به نوعی که در این کار صورت نوع دوستی و انسانیت جای خود را به تجارت دهد اما به‌طور مطلق نیز نمی‌توان به خاطر جلوگیری از سوء استفاده‌های فراوان که در عمل محقق می‌شود به ناروایی چنین فعلی حکم داد و از طرف دیگر پر واضح است که به‌طور مطلق نیز با توجه به مبانی اخلاقی و صرف دستیابی به منفعت و خوشبختی بیشتر، نمی‌توان به روایی آن حکم کرد. بنابراین بهتر است در خصوص روایی یا ناروایی اخلاقی این موضوع با هر درخواستی بطور موردی برخورد شود و با تشکیل کمیته‌هایی مستقر در مراکز باروری که می‌تواند متشکل از متخصصین اخلاق، پزشکان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و ... باشد و تدوین مجموعه‌ای از مولفه‌ها و معیارهایی در این راستا، علاوه بر ارائه مشاوره تخصصی، کمیته مزبور تشخیص روایی یا ناروایی اخلاقی این عمل را در هر مورد، مورد ارزیابی قرار دهد. اما در خصوص استفاده از رحم جایگزین از دیدگاه اخلاقی - فقهی باید اذعان داشت که هرچند که میان فقها نظر واحدی پیرامون استفاده از رحم جایگزین وجود ندارد اما با نگرش کلی به فتاوی صادره و با جمع‌بندی آراء بدست آمده به‌نظر می‌رسد این عمل چه در رحم زن انجام پذیرد چه در آزمایشگاه بلااشکال باشد و اگر گروهی نیز جواز بکارگیری این روش را مورد تردید قرار داده‌اند، احتمالاً

به‌دلیل بیم از ارتکاب پاره‌ای از کارهای مقدماتی مانند اخذ اسپرم از نامحرم یا قرارگیری نطفه به روش‌های غیرمجاز بوده‌اند و الاً هیچ دلیلی بر حرمت اصلی عمل به‌نظر نمی‌رسد.

## فهرست منابع

### الف- منابع فارسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- حرم پناهی، محسن، «تلقیح مصنوعی»، مجله فقه اهل بیت، ش ۹ و ۱۰، سال دوم، ۱۳۷۶
- ۳- حسینی سورکی، محمد، معنا و ماهیت سود در نظر سودگرایان، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۳۷ و ۳۸، سال دهم، بهار و تابستان ۸۴
- ۴- دباغ، سروش، بررسی مادر جایگزین از منظر فایده انگاری عملی، مجموعه مقالات رحم جایگزین. انتشارات سمت. پاییز ۸۶
- ۵- صمدی اهری، محمدهاشم، نسب ناشی از لقاح مصنوعی در حقوق ایران و اسلام، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۲
- ۶- فاضل موحدی لنکرانی، محمد، جامع المسائل، قم، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۹
- ۷- محقق داماد مصطفی، عبدالعزیز ساشادینا، محمود عباسی، درآمدی بر اخلاق زیستی انتشارات سینا، چاپ اول، ۱۳۸۸
- ۸- موسوی الخمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، انتشارات اسلامی، چاپ ۱۹، ۱۳۸۰
- ۹- مؤمن قمی، محمد، «سخنی درباره تلقیح»، مجله فقه اهل بیت، شماره ۴، سال اول، زمستان ۱۳۷۴
- مجموعه مقالات رحم جایگزین. انتشارات سمت. پاییز ۸۶
- ۱۰- یزدی، محمد، «باروری‌های مصنوعی و حکم فقهی آن»، تهران، فقه اهل بیت، شماره ۶ و ۵، سال دوم، ۱۳۷۵
- ۱۱- یوسفی، حمید. قهاری، شهربانو. رحم جایگزین نگاهی بر جنبه‌های مختلف و چالش‌های آن

ب- منابع لاتین

- 1- Conde H.Victor(1999), *A Handbook of international humen rights terminology*, Nebradka press, in (<http://books.google.com/book>)
- 2- ESHRE Task force on Ethics and law including F. shenfieldG.pennings , J. Choen, P.Devroey , G.de wer and B.tarlatzis (2005) *Eshre task force on ethics and law 40: surrogacy Humman Reproduction* , Vol 20 , No 40.
- 3- *First intergovernmental meeting of experts finalizing a draft declaration on universal norms on bioethics unescohead quarters*, 4.6. April. 2005.
- 4- Peter, R. Brinsden (2004), *Gestational surrogacy, Textbook of Assisted Reproductive Techniques*, Taylor & francis, an important of the Taylor & francis Group.
- 5- Potter, V.R (1971), *Biethics. A Bridge to the future* prentice- hall. Englewood cliffs